



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۴۳۹۱-۲
نمبر: ۸۸۸۱۴۲۳
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۲۳-۲۲
نمبر: ۸۸۸۱۲۷۹
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۳۰
چاپ: نشر روزتاب
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۰
اذان مغرب ۱۷:۱۴
اذان صبح فردا ۵:۱۸
طلوع آفتاب ۶:۴۶

تولدی دیگر

زادروز شاعر تهران

نوستالژی، بیماری قرن است



■ من به یک تعبیر از بچه‌های خالص تهرانم. عکس‌هایی از پنج پشت پدران من هست که همه تهرانی بوده‌اند. خودم زاده راسته خیابان ری و کوچچه آصف هستم.
نسل من هنگامی که از تهران یاد می‌آورد، نوستالژی کودکی خود را دارد، دروازه‌ها و خندق‌ها، کاشی‌کاری‌های سردرها، ماشین‌دودی‌ها یا مرشد نرفولو و درویش سسکینه، منارها و حاجی لکلک، نخستین سینماها (رکس – مایاک) و کافه‌ها (کافه شهرداری – بوت‌کلاب) و البته «لاله‌زار» با کافه «زنوار» یا نوق صادق هدایت، کوهچاهی که در برف گم می‌شد و انگشتان یخ‌زده‌ای که نمی‌توانست در ساعت دیکته، قلم را به دست بگیرد، بعدازظهرهای دم کرده، رمان‌های پلیسی و تاریخی و عطر جانماز مادربریز گشا، صدای آب در تنبوشه‌ها و خواب در پشه‌بندها بالای بام‌های کالهگی زیر آسمانی پر از شهاب‌تابق و یادباد گهای فانوس‌دار که بچه‌های محله دیگر هوا کردند و نیز هیجان‌های عمومی که در این شهر بارهاس‌نوشت کشور را تغییر داده است و آن دانشگاه‌های پرشور و شمر که از جوانک بومی، انسان‌اندی‌ای امروز می‌ساخت.
روبای فراوانی و آزادی، کلوس ایام‌دق‌مرگی و خانه‌نشینی، عشق‌ها و هجران‌ها...؛ خواه از خاطرات مستقیم و خواه از یادبدهای کهسنان‌ خالوند.
تهران ما نوستالژی «بیماری قرن» است.

تهران بانو-محمدعلی سیانلو

به عبارت دیگر

گوی بیری از قفس آزاد شده‌ باشد



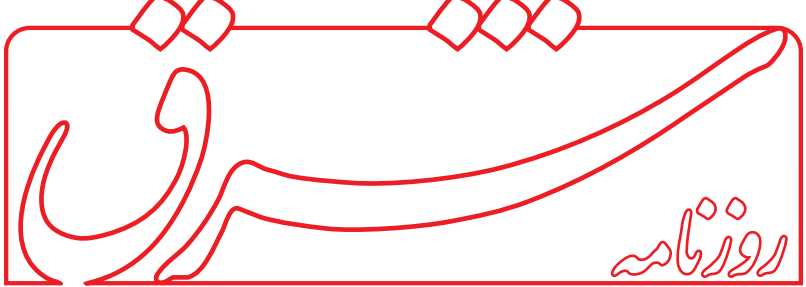
احمدرضا دالوند

■ با فروپاشی دیوار برلین در ۹ نوامبر ۱۹۸۹، در واقع دیوار برلین تاریخ، دیوار برلین فلسفه، دیوار برلین هنر، اقتصاد، علوم و اندیشه نیز فرو ریخت، گویی بیری از قفس آزاد شده‌باشد. (دیوار برلین یادمان گریه دوران پادشیه «کمونیسم دولتی» شوروی بود) به گواهی تاریخ هنر، روند حرکت جریان‌ات هنری در همه‌ لاط تاریخ، کند، محطاط و محافظه‌کارانه بوده است. اما در چند دهه اخیر چنین پارادایمی کمالا ترک برداشته است، پس: مرگ بر محافظه‌کاری هنری:هنرمند امروزی فیمیده‌است که باید از موقعیت «تمداد به نفس آرام» به «جاطلی‌ جسورانه» جهش کند. نه اینکه فقط سوق پیدا کند، یا متمایل شود؛ بلکه پرتاب شود. فرو ریختن دیوار برلین تنها به تسلطب گزیننده‌های رویاروی سرمایه‌داری سازار آزاد و همچنین آزادسازی ذخایر عظیم راکد مانده، به سود میلیون‌ها انسان در نقاطی چون هند، برزیل، چین و شوروی سابق کمک نکرد. این پدیده به ما امکان داد که به جهان نگاهی دیگرگون داشته باشیم و به آن به‌عنوان جزئی از یک کلیت یکپارچه ببیندیشیم. دیوار برلین اجاره نمی‌داد که جهان را به‌عنوان یک اکوسیستم واحد، یک باز بازار واحد و یک جامعه واحد ببینیم. قبل از فروپاشی دیوار برلین و با استقرار دو اړوگ‌ها شرق و غرب، فکر داشتن سیاسی «جهانی» دشوار بود. در زبان سانسکریت داستان جالبی از یک قوربانه روایت شده که در یک چاه به دنیا آمد، او قوربانه در چاه می‌ماند و همان جا می‌میرد. جهان‌بینی او تنها به آن چاه محدود می‌شود. جهان بسیاری از انسان‌ها نیز، قبل از فروریختن دیوار، جز این نبود. زمانی که دیوار فروریخت، گویی قوربانه درون چاه ناگهان فرصتی برای مرادوبه با قوربانیه‌های همه چاه‌های دیگر یافته‌ باشند. از سویی با تکمیل تدریجی تکنولوژی ارتباطی نوظهوری مانند اینترنت؛ یکبار دیگر «دست» که از برتری‌های فیزیولوژیکی انسان نسبت به سایر جانداران است؛ به کمک ما آمد. پیشرفت‌های جدید مروهن آنولوژی دست ما هستند: موبایل، کمپیوتر، تلایب لیزری همگانی و نرم‌افزارهایی که زبان مشترکت بدون مرز و بین‌المللی دارند. بیپرده نیست که یکی از شعرهای اولیه بیل گیتس، بنیان‌گذار مایکروسافت، این بود: هدف مایکروسافت قلیل دسترس ساختن اطلاعات برای همه از طریق سر انگشتان آنهاست. Information At Your Fingertips (IAYF) این هم آی بی‌بی‌سی‌های مجیزه به ویدئوز به جهانی شدن کمک بسیار کرده‌اند. اینها ابزارهایی هستند که توان تالیف، شکل‌دهی و نشر اطلاعات را از طریق سر انگشتان به افراد بخشیده‌اند. رواج کمپیوتر‌های شخصی، دستگاه‌های فاکس، ویدئوز و مودم‌ها متصل به شبکه‌های تلفن جهانی، همه با هم در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ اتفاق افتاد و زیرساخت اولیه و سکوی پرش انقلاب جهانی اطلاعات را آماده ساخت. گویی بیری از قفس آزاد شده‌ باشد. هنرمند چنین دورانی چه نشسته است؟! از مغایم توجیه‌گرانه‌ای چون: بازنگری در شیوه آموزش هنر، شیوه تکرش به نحوه پذیرش هنرنرجو و دانشجو، شیوه رویکرد به تاریخ، سنت، جهان امروز، مجرب متنوع فن، ذهنی، فلسفی و زیبایی‌شناسانه؛ خیلی گذشته است. کمالا در شده است. با این اوضاع عبید است بیری در کار باشد که از قفسی که در کار نیست به طور فرضی بخواهد آزاد شود.

مشق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۴۳۹۱-۲
نمبر: ۸۸۸۱۴۲۳
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۲۳-۲۲
نمبر: ۸۸۸۱۲۷۹
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۳۰
چاپ: نشر روزتاب
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۰
اذان مغرب ۱۷:۱۴
اذان صبح فردا ۵:۱۸
طلوع آفتاب ۶:۴۶



یکشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۰ - ۲۳ ذی‌حجه ۱۴۲۲ - ۲۰ نوامبر ۲۰۱۱ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۲۹۷ - شماره ۴۷۲ دوره جدید - ۲۰صفحه

تعبیر

روان پزشکی و اجتماع

دوم: همان‌طور که گفته شد، دغدغه حرفه‌ای روان‌پزشکان درمان بالینی فرد است. به نظر می‌رسد با وجود آنکه روان‌پزشکان کشورمان توانایی‌های قابل‌توجهی در زمینه درمان بیماری‌ها دارند، اما در این کنفرانس هشدار دادند که با توجه به شیوع فزاینده مشکلات اجتماعی و انحرافات (آسیب‌های) اجتماعی و نیز اختلالات روانی، درمان بالینی فردی پاسخگوی تقاضای موجود برای سلامت جامعه نیست و باید به فکر مداخلات در سطحی گسترده‌تر از فرود بیمار بود و به جامعه و اجتماع یا جماعت اندیشید.

سوم: جامعه روان‌پزشکی با برگزاری این کنفرانس هشدار می‌دهد که علل شیوع و بروز روزافزون انحرافات اجتماعی و اختلالات روانی منحصر به عوامل فردی و خصوصاً جسمی نیست، بلکه عوامل اجتماعی نقش فزاینده‌ای در وضعیت و روند جاری دارند. در سخنرانی‌های کنفرانس تصریح شد نابرابری‌های پدیدآمده در سلامت روان را باید از یک‌سو به لایه‌های اجتماعی بازتاب‌دهنده دسترسی افراد به برخی منابع یا ارزش اجتماعی مانند ثروت و قدرت نسبت داد و از سوی دیگر به نقش‌های اجتماعی که مسوولیت‌ها و چشم‌داشت‌های را به همراه دارند و افراد منابع و امکانات لازم را برای برآورده ساختن آنها ندارند. به این ترتیب، برای بهبود سلامت جامعه بیش از آنکه به بیمارستان و مطب نیاز باشد به کار، اقتصاد سالم و کاهش فقر، نابرابری و انواع بی‌عدالتی نیاز است.

چهارم: بسیاری از چهره‌های برجسته جامعه روان‌پزشکی کشور در این کنفرانس بر ضرورت بازنگری در رویکرد بالینی و تاکید بیشتری بر ایجاد اجتماعی سلامت داشتند. از جمله آنان با اشاره به روان‌پزشکی اجتماعی و جماعتی ضرورت توجه روان‌پزشکان به علومی همچون مردم‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی را مطرح کردند. ارتقای جماعت‌محور سلامت روان به معنای توجه به سلامت روان در متن یک برنامه‌ریزی اجتماعی مشارکتی است و نه درمان صرفاً بر پایه فیزیولوژی بیمارمان و صرفاً با دارو!

به نظر می‌رسد، پیام اصلی اجتماع روان‌پزشکان، حرفه‌ای، اولین گروهی هستند که در معرض برخورد و گفت‌وگو با افرادی قرار می‌گیرند که به علل اجتماعی دچار اختلال روانی یا انحراف (آسیب) اجتماعی شده‌اند و برای التیام دردهای خود راهی مطب آنها شده‌اند. بنابراین آنان نبض روان و رفتار جامعه و اجتماع را در دست‌های خود داشته و ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از سلامت روان جامعه و اجتماع دارند. به نظر می‌رسد اغلب آنها بر اساس ارزیابی مورد اشاره نگزانی‌های جدی نسبت به سلامت روان جامعه و وضعیت آسیب‌های اجتماعی دارند.

دیدبان

افکار عمومی تعیین‌کننده ضرورت‌اند

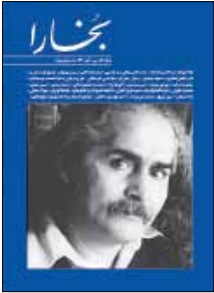
می‌تواند درباره حاصل و فرآورده هنری یک نویسنده و ضرورت چاپ اثر اظهارنظر کند. من واقعاً نمی‌دانم که از چه موضع و جایگاهی می‌توان تعیین کرد که یک انتشار و خوانده شدن کتاب که از طریق نشر افزار در معرض آگاهی عموم نهاده شده، ضرورت دارد یا نه؟! به طور قطع قوانین اولین مرجع برای قضاوت‌اند. حال باید پرسید این قانون که مبنای ارزیابی است، چیست؟ به گفته‌ای است، کجاست؟ به عبارتی این ضرورت از کدامین قانون و مرجعی مشخص می‌شود یا شده؟
براساتی چند کتاب از بین این همه کتاب ارسالی و ایتارنده در وزارت ارشاد دارای صورت و کلمات قبیحه و غیر قابل چاپ‌اند که سال‌ها بالاکلیف مانده‌اند.

«کتاب» نوعی اظهارنظر از جنس تفکر است، پس پاسخ فکر را با فکر می‌هند.

دکه

شماره ۸۳ بخارا با یادنامه مهدی اخوان ثالث

شماره ۸۳ مجله بخارا از روز دوشنبه ۲۰ آبان در کتابفروشی‌ها و دهک‌های روزنامه‌فروشی در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. از ویژگی‌های این شماره بخارا، یادنامه مهدی اخوان ثالث است که شامل مقاله منتشر نشده‌ای از دکتر شیعی کندکی است با عنوان «شاعر شعره‌های باشکوه» و نیز «سوالات امتحانی اخوان ثالث در دانشگاه تهران» را می‌خوانیم. همچنین شعری از اخوان با نام

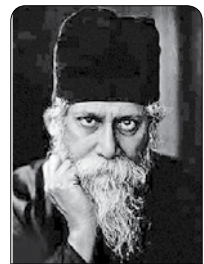


دسترس مخاطبان است.

مراقب

حراج دفتر دست‌نوشته‌های «تاگور» در نیویورک

ایستا: دفتری که حاوی اشعار دست‌نوشته رایبندرانات تاگور، شاعر افسانه‌ای هند و برنده نوبل ادبیات است، ماه آینده میلادی در حراجی «ساتی» در معرض فروش قرار می‌گیرد. این دفتر که پیش از این نویسنده آن مشخص نبود، متعلق به سال ۱۹۲۸ حاوی ۱۲قطعه شعر و ترانه‌های بنگالی است. حراجی «ساتی» نیویورک سیزدهم ماه دسامبر (۲۲ آذر) بر گزار می‌شود. ارزش این دست‌نوشته‌ها بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار دلار پیش‌بینی شده است.



مرگ مولف

۶سال پس از منوچهر آتشی

سعادت غمناک

احمد پوری



■ منوچهر آتشی مصممیتی داشت پنهان. اندوهی همیشگی حتی در قهقهه‌های مستانه‌اش لانه داشت. در چندین دیداری که با او داشتم، دلم می‌خواست خلوتی باشسد و از او درباره این لثوه و مصمصویت بیرسم و ببینم آیا حدس من درست است یا نه. تنها یکبار توانستم تا حدی حرفم را به او برسانم. در جمعی چند لحظه با هم تنها شدیم.

گفتی: می‌خواهم شعری برایت بخوانم.

گفت: شعر خودت است؟

گفتی: از کی من شاعر شده‌ام. شعری است ناب که بیشتر در وصف خود توست.

اشاره کرد که شعر بخوانم و من خواندم:

تو مثل لاله پیش از طلوع دامنه‌ها

که سر به صخره گذارد

غریبی و باکی

توراز وحشت تو فان به سینه می‌فشرم

عجب سعادت غمناکی

نگاهم کرد با لیخندی. نمی‌دانم چرا چیزی نگفت. اما نگاهش هزاران حرف داشت.

از مستندساز

نشر و نیشتر

مرتضی شاملی



■ فیلم «ملکه» ساخته استیفان فریزر با جمله‌ای از نمایشنامه «شاه هنری چهارم» اثر شکسپیر شروع می‌شود. خواستم ترجمه‌ای را که به فارسی از این جمله شده است ببینم. این بود که به سراغ کتاب دوجلدی «مجموعه آثار نمایشی ویلیام شکسپیر» رفتم که ترجمه دکتر عال«الدین بازارگلدی است و از انتشارات سروش. اما در کتاب از نمایشنامه «شاه هنری چهارم» اثری نبود. در پیش گفتار مترجم دلایلی برای حذف این نمایشنامه و هشت نمایشنامه دیگر آورده شده بود که هم برایم کلیشه‌های بودند و هم غیرمنطرحه. کلیشه‌ای، چون در موارد متعددی به چنین جمله‌هایی برخوردام که حذف مطالب یک کتاب را نشانی از غیرسودمند بودن آنها یا خارج از حوصله بودنشان برای خواننده ایرانی دانسته‌اند! اما غیرمنطرحه، چون این بار گوینده این جملات آقای دکتر بازارگلدی از اسنادان زبان و ادبیات انگلیس هستند و از مترجمان بینکسوت کشور، ایشان گفته‌اند: «ولی در مورد نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر، چون صرفاً مربوط به سلطنت شاهان انگلیس و شرح وقایع محلی زمان آنهاست و احتمالاً چندان مورد توجه خواننده ایرانی نخواهد بود، اقامی نکردم.» یعنی ؟نمایشنامه‌های که نام ششان انگلیس را بر پیشانی خود دارند و بعدها جزو نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر دیدندی شده‌اند، بنا بر گفته مترجم و شاید هم نظر ناشر، مورد توجه خواننده ایرانی قرار خواهند گرفتامی دانیم که در همین دهه‌های اخیر اجراهای متعددی از این نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر روی صحنه رفته و باز خواهد رفت. فیلم‌های متعددی به سبب کتابی و چه تلویزیونی از آنها تهیه شده و باز خواهد شد، کتابها و سی‌دی‌های متعدد و متنوعی از آنها برای ردههای مختلف سنی و در تیرزهای سرسام‌آور چاپ شده و باز خواهد شد. حال سؤال این است: آیا همه اینها به‌دلیل شرح وقایع زمانی و مکانی این شاهان بوده استی یا به‌علت ارزش‌های نمایشی و دراماتیک این آثار که در مسایل آثار شکسپیر خیز هست؟ آیا چون شرح وقایع و زمانی این شاهان دستمایه نوشتن این نمایشنامه‌ها قرار گرفته‌اند، در نظر خواننده ایرانی از زیبایی بیانی و شوگردهای دراماتیک آنها کاسته خواهد شد؟ آیا «ریچار سوم» که یکی از همین نمایشنامه‌های تاریخی است و چند سال پیش در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه آمد، با آن استقبال گسترده تماشاجی ایرانی روبرو و نشد؟ عجیب است واقعاً! این چه نوشته و چه نسبت ناروایی است به دقت و حوصله و توجه خواننده ایرانی؟! آن‌هم نه هر خوانندهای، خوانندهای که در هر شرایط اقتصادی - ولو با زدن سایر نیازهایش - هنوز می‌خواهد کتاب بخرد و کتاب بخواند؛ و هنوز هم بسیاری از کتاب‌های مهم و کلاسیک جهان به زبان او نیامده‌اند! خوانندهای که همین مجموعه دو جلدی را به حساب اینکه - بنا بر نوشته روی جلد آن - حاوی تملی آثار نمایشی شکسپیر است خریده است، در حالی که این‌طور نیست و کتاب ناقص است! اجازه بدهید همین جا پرسشی را مطرح کنم که اتفاقاً جای آن در حوزه نشر ما خالی است، و آن اینکه آیا این مورد، موارد بسیاری شبیه به این، در مصداق کامل غش در نیامده‌اند؟ این گوشهای است از وضع نشر و دخل و تصرفاتی که در حوزه کتاب و کنیاخوانی ما می‌شود. وضعی که باعث شده نوعی سوءظن به ترجمه‌هایی که در حوزه انسانی و علمی‌الخصوص ادبیات می‌شوند، به وجود آید.

کارتون‌خواب



حسن کریم‌زاده

www.karimzadehstudio.com



بازتاب

معنویت‌های گروگانگیر

می‌شود؟ اگر این قضیه صحیح باشد پس سلب کردن آزادی‌های دنیایی دیگر به‌وسیله دولت‌ها منتخب مردم جامع غربی، یک عمل غیراخلاقی است و در همین راستا به جرات می‌توان گفت حمایت از دیکتاتورهای قد و نیم‌قدی که از آزی را از مردم کنورهایشان سلب می‌کنند از سوی دولت‌های غربی منابر باصل آزادیخواهی است و اظهار بی‌اطلاعی مردم این کشورها نقش این اصل توسط دولت‌هایشان بذیرفتنی نیست.

محمد صادقی معتقد است، معنویت جز از مسیر آزادی میسر نیست و یکی از همین مولفه‌های دنیای جدید آزادی است. واقعا محمد صادقی فکر می‌کند که مردم کشورهای غرب آزاد هستند و به همین دلیل هم سعادت‌مندند؟ در یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای اروپا، شخصی به نام «سارازین» که عضو هیات‌مدیره بانکی معتبر و یکی از احزاب پیشرو را داراست، کتابی منتشر می‌کند و در آن مدعی می‌شود که فرهنگ کشورش به‌دلیل بالارفتن جمیعت ترکههای مسلمان رو به اضمححال است. در می‌گزرد تلویزیون، یک زن ایرانی، این نویسنده را در جلو ششمان میلیون‌ها بیننده محکوم می‌کند و نظریات او را بی‌اساس می‌خواند. از فسادی آن روز زن ایرانی تهدید می‌به مرگ می‌شود. می‌خواهند فرزندانش را برابند و آذیت و آزارهای بسیار دیگر تا آنجایی که پلبس برای حمایت از او و خانوادهش مجبور به مداخله می‌شود. خانواده او مهم‌تر از آزادی بیان کتاب است.کشوری صاحب پنج میلیون عضو فعال در ورزش فوتبال است. در چهار لیگ سراسری از آزمایش دوینگت اجرا می‌شود که چیزی حدود سههزار بازیکن را دربرمی‌گیرد. برای چهار میلیون و ۹۹۷ هزار بازیکن دیگر کنترلی در کار نیست. ۱۲ کیسپول از طریق اینترنت با ترکیب ۸۰ درصد کلفیس و ۲۰ درصد افنرین به قیمت ۱۰۰ یورو و ارسال با پست قابل خرید است. اگر شما به‌عنوان مربی به این مساله اشاره کنید، هیچ خبرنگاری حاضر به انعکاس این واقعیت نیست چون بیرونش می‌کنند و خود مربی هم مورد تهاجم مافیای دراویی و فدراسیون قرار می‌گیرد. مثال‌های زیادی از این قبیل در زمینه سیاست، حقوق اجتماعی، امور اقتصادی و تجاری، ورزش و عرصههای دیگر در ارتباط با آزادی‌های کتاب می‌توانم بیابرم که شاعر اخلاق، معنویت و پیشرفت‌های فرهنگی در سایه آزادی‌های اجتماعی را کهنرگ و کم‌فروغ می‌کنند. دستکاری، فساد، تروریسم، از یاد ببریم که معنوی زیستن و اخلاقی زیستن با زور استقرار نمی‌یابد و معنویت جز از مسیر آزادی تحقق نخواهد یافت. یکی از مولفه‌هایی که دنیای جدید بر آن استوار شده آزادی است. آنچه من از لایه‌ای این سطور کسب و درک می‌کنم این است که غرب، دنیای جدیدی است که به‌دلیل وجود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از معنویت بیشتری برخوردار است. خوب با این تعریف این سوال پیش می‌آید که دنیای دیگر کجاست؟ آیا دنیای جدید از بقیه دنیا جداست؟ و اگر این دو دنیا جدا هستند، جهانی بودن سیاست را چگونه باید معنی کرد؟ آیا می‌شود ادعا کرد که سیاست جهانی دنیای جدید، عملی اصلی آزادی‌ها در بقیه دنیاست و فقط و فقط برای اینکه منافع غرب تضمین شود در سراسر جهان اعمال



بهمن فروتن

مجلس‌های در پرندهای با نام «چه بر سر غریزدگی آمده؟» به تاریخ روشنفکری ایران می‌پردازد و صاحب قسری به انتقاد از مدرنیته برمی‌آید و مدعی می‌شود که فرهنگ، همگام با ابزار و تکنیک پیشرفت نکرده است و به همین دلیل، بشر دوره مدرنیته در غرب با وجود بحران‌های موجود که عامل اصلی فئدان معنویت

در این جوامع است سعادت‌مندتر از گذشته نیست. محمد صادقی اما در صفحه آخر روزنامه شرق پنجشنبه ۱۹ آبان ۹۰ با تیتر «دغدغه معنویت» معتقد است بشر در غرب، همگام با تجدید سعادت‌مندتر شده است. با نگاه‌هایی به امروز و نگاهک‌هایی به دیروز جهان، سوالی داشتم: از این دو عزیز که بشر در چه دورهای از تاریخ واقعا تسعدمند بوده است؟ البته خیلی‌ها به غیر از من هم می‌خواهند باندن سند سعادتمندی بشر در چه دورهای از تاریخ، مهر و امضا شده است که امروز صحبت از سعادت‌مندتر بودن و نبودن بشریت قبل و بعد از مدرن و مدرنیسم و پاسلمدن و مدرنیته است؟ البته بد نیست به این موضوع اشاره شود که غربی‌ها در پژوهش‌های بین اروپایی نه‌چندان دور، به این نتیجه رسیداند که فرهنگ عمومی به‌دلیل پایین بودن آستاندههای قضاوت‌اند. حال باید پرسید این قانون که مبنای ارزیابی است، چیست؟ به گفته‌ای است، کجاست؟ به عبارتی این ضرورت از کدامین قانون و مرجعی مشخص می‌شود یا شده؟

براساتی چند کتاب از بین این همه کتاب ارسالی و ایتارنده در وزارت ارشاد دارای صورت و کلمات قبیحه و غیر قابل چاپ‌اند که سال‌ها بالاکلیف مانده‌اند.

«کلید در چاه» که برای اولین بار چاپ می‌شود و در بخشی دیگر گفت‌وگوی نازنین رجبی با دکتر محمد صنعتی درباره «مدرنیته و شعر فارسی»، «تاریخ چیستی» به قلم دکتر عزت‌الله فولادوند، مقاله‌ای از واتسلاو هاول با عنوان «در روابط سیاست و دروغ» و... از دیگر مطالب این شماره از این مجله است. شماره مهر و آبان «بخارا» به قیمت هشتهزار تومان در دسترس مخاطبان است.